

# مسئله محوری



علیرضا امیر بختی، پژوهشگر  
بنیاد تعلیم و تربیت برهان

«آموزش و پرورش» عبارتی است که همه‌ی ما معلمان عمرمان را صرف آن کرده‌ایم و دلمان برای پیشرفت و بهبود آن می‌تپد. با شنیدن کاستی‌های آن احساسات دلسوزانه و خیرخواهانه‌مان غلیان می‌کند و دوست داریم بدانیم برای پیشرفت و تعالی آن چه کار می‌توانیم انجام دهیم. اختصاص چند بند از این متن به ذکر کاستی‌های موجود شاید برای شما خیلی مفید نباشد؛ اما گفت‌وگو درباره‌ی راهکارها احتمالاً بسیار جذاب و امیدوارکننده است. اگر بخواهم در یک جمله تمام حرفم را خلاصه کنم، باید این‌گونه بگویم: «یکی از مهم‌ترین مشکلات در آموزش و پرورش آن است که نظام آموزشی ما مسئله ندارد.» راه‌حل این مشکل، مسئله‌محور کردن آن است. دانش‌آموز ما نمی‌داند مدرسه‌رفتن و درس خواندن قرار است چه دردی را از خودش یا جامعه‌ی اطرافش درمان کند. همه‌چیز از همین‌جا نشئت می‌گیرد. مسئله‌محور کردن آموزش چیست و چگونه صورت می‌گیرد؟ پاسخ دقیق‌تر آن را در شماره‌ی بعدی همین مجله دنبال کنید و بعد از آن کار به عهده‌ی شما خواهد بود.

قرار است شما تجربیات مسئله‌محورتان را برای انتشار در مجله برای ما ارسال کنید. اما اینجا در حد چند گزاره‌ی کوتاه منظورم را توضیح می‌دهم. مستقیم می‌روم سراغ کلاس‌های درس ریاضی و علوم و اجتماعی شما. آنجایی که می‌خواهید ضرب دورقم در دورقم، اجزای سازنده‌ی گیاه یا مفهوم قانون را به هر ترفندی که از عهده‌اش برمی‌آید و امکانات و محدودیت‌ها به شما اجازه می‌دهند، بهترین شکل به شاگردانتان یاد دهید. کافی است یک قدم به عقب برگردید و خودتان را جای دانش‌آموزتان بگذارید. از خود بپرسید: «من برای چه مسئله‌ای باید برای یادگیری این مباحث تلاش کنم؟» همین سؤال آغاز راه است و شما را وا می‌دارد که فرایند تدریس خود را از رهگذر مسئله‌ای دنبال کنید و بچه‌ها را نیز مسئله‌مند سازید. زندگی فردی





و محیط پیرامون دانش‌آموزان ما سراسر مسئله است و ما در اکثر مواقع دانش‌آموزان را لایق برای حل آن‌ها نمی‌دانیم. آن‌ها را در کلاس درس می‌نشانیم و می‌خواهیم پاسخ‌های آماده‌ای را که دیگران به مسائل خود داده‌اند، بدون درک آنچه پشت آن‌ها می‌گذرد، حفظ کنند.

در واقع حل مسئله پاسخی است به نیازهای درونی دانش‌آموزان و بستری است برای تحقق اهداف آموزشی که سرفصل‌های کتاب درسی برای ما مشخص کرده است. نتیجه‌ی آموزش بر مبنای ایجاد مسئله برای دانش‌آموز آن است که شوق یادگیری و کیفیت و پایداری آن در شاگردان و مسئولیت‌پذیری آن‌ها به خودشان، خانواده‌شان و جامعه‌ی اطرافشان افزایش چشم‌گیری خواهد داشت. حتماً حوصله‌تان را سر برده‌ام و با خود می‌گویید: «این حرف‌ها خیلی کلیشه‌ای است و اگر مردی، بیا کف میدان کلاس و بگو باید چه کار کنیم؟» متأسفانه ظرفیت تعداد کلمات من برای نگارش این متن رو به اتمام است. به امید خدا در شماره‌ی بعدی و در بخش اختصاصی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با عنوان «یادگیری مسئله‌محور» آن‌قدر مثال می‌زنم که کاملاً هم‌فکر و هم‌دما و شاید هم خسته شوید. بعد از آن هم که محتوای این بخش را خود شما تأمین خواهید کرد. برای آغاز یک سفر طولانی و جذاب تا پایان سال تحصیلی آماده باشید. شاید پاسخ سؤالی را که در ابتدای این مطلب مطرح کرده‌ام بگیرید: «به‌راستی ما معلمان چه کار می‌توانیم انجام دهیم؟»